

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۱

سید احمد رضا قائم مقامی | سید محمد حسین حکیم | فرزاد ضیائی حبیب آبادی | علی کاشفی خوانساری
سید علی میرافضلی | حمید عطائی نظری | عرفان پاپری دیانت | مرتضی کریمی نیا | امید حسینی نژاد
شیوا امیرهدایی | جویا جهان بخش | شیرین فراهانی | امید طبیب زاده | امیر حسین آزاد | رسول جعفریان
اشکان خطیبی | مریم حسینی | حیدر عیوضی | آریا طبیب زاده | مجید جلیسه | میلاد بیگدلو | کیامهر نامور
علی نیک زاد | امید رضائی | گلپر نصری | امیر ارغوان | علی کاملی | اکبر ثبوت | علی راد

ابن مقفع | طومار (۱۰) | نوشتگان (۱۲) | خراسانیات (۴) | اهتمام ناتمام

بتخانه سومنات | چاپ نوشت (۱۸) | نسخه خوانی (۴۰) | گزارش یک زندگی

آینه های شکسته (۸) | حکایت زنگی بسکردی | با همدلان عین القضاات

فخر مدبر و شجره نسبش | امیر حسینی هروی و خیام | فتح خوارزم و بیتی از عنصری

یادداشت های لغوی و ادبی (۴) | کهن ترین ترجمه فارسی انجیل | گفت وگو درباره پاسخی به یک نقد

برگی از تاریخ گیاه شناسی در ایران | معرفی شاهنامه موزخ ۸۰۸ هجری | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۲)

دو کلمه از آثار باقیه ابوریحان بیرونی | «دیباچه» از یاد رفته سیر حکمت در اروپا

نقدی بر تصحیح اخیر دیوان ابوالفرج رونی | شیخ سغدی در نظامیه چه می گزده است؟!

خلاقیت یا اقتباس در سندنویسی دوره قاجار | نقد ترجمه فارسی اخلاق اسپینوزا اثر محسن جهانگیری

مدخل ادبیات کودک در دانشنامه ایرانیکا و حاشیه هایی بر آن

اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نکته، حاشیه، یادداشت | پیوست آینه پژوهش: وزن های سیمین بهبهانی

دکتر مُعین کِتابی به نام «فَرهنگِ مُعین» نِوشت!

جويا جِهانبخُش

| ۶۱۱ - ۶۱۴ |

۶۱۱

آينه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

به مناسبتی سر و کارم با «کتابنامه»ی کتاب شَرَحِ عَزَلِ هَایِ سَعْدِی دکتر بزرگِ خالقی و دکتر عَقْدایی افتاد. دیدم یکی از مآخذ این تألیف را «فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰». شناسانیده‌اند^۱. ... بسیار تعجب کردم. زیرا تا آن جا که می‌دانم چنین کتابی از این وجود خارجی ندارد!!! ... یعنی: اَوَّلًا، اُستادِ لُغَوِی والامقام، انوشه‌یاد دکتر محمد معین (۱۲۹۶ - ۱۳۵۰ ه.ش.) - طابِ ثراه -، کتابی به نام «فرهنگ معین» ننوشته بود؛ و ثانیًا، تا آن جا که می‌دانم، انتشارات امیرکبیر هم، دشتِ کم در آن سال‌ها کتابی با این نام و مشخصات چاپ نکرده بود. ... کتابی که در محاورات به نام «فرهنگ معین» از آن یاد می‌شود، در اصل، فرهنگ فارسی نام دارد و اَلْبَتَّه از نَفَایِسِ تَأْلِیفاتِ اُستاد دکتر محمد معین است. کثیری، در گفتار، از بابِ مُسامَحَت، آن را «فرهنگ معین» می‌خوانند؛ ولی نامِ دُرُست و دَقِیقِ آن که بِرِ صَفْحَه عنوانش نیز نقش بسته است، فرهنگ فارسی است و کسی که می‌خواهد در کتاب نامه یا اِرجاعاتِ نِوِشته خویش نامی از این فرهنگ اِز زِنْدَه بَبَرَد، صَد اَلْبَتَّه باید نامِ صَحیح و اَصیل و عِنوانِ رَسمِی آن را به کار گیرد. مَوْسَسَه انتشاراتِ امیرکبیر نیز، چه وقتی که تَحْتَ تَصَرُّفِ بانی و مالِکِ حَقِیقِی آن - اَعْنِی: زنده‌یاد عَبدُالرَّحِیم جَعْفَری (۱۲۹۸ - ۱۳۹۴ ه.ش.) - بود، و چه زمانی که در تَصاریفِ اَیام به دشتِ دیگران افتاد، فرهنگِ کِرامَندِ پیش‌گفته را با هَمان عِنوانِ اَصلی‌اش که فرهنگِ فارسی باشد، چاپ و مُنتَشِر کرده است. لَابد آن چاپِ سالِ ۱۳۶۰ ه.ش. نیز که دِکَرِ خِیرش گُذشت، هَمان نامِ اَصلی و اَصیل را بِرِ پِیشانیِ خود داشته و دارد.

آری؛ در سال‌های اخیر که قوانینِ مَمالِکِ مَحروسه بازچاپِ آثاری چون فرهنگِ فارسی اُستاد دکتر معین را بر این و آن روا گردانیده است و ناشرانِ گوناگونِ بَهره‌مند از مزایایِ قانون هم، اَلْبَتَّه: لَوْجَه الله!، بازچاپ‌هایی اَمین یا ناامین از آن کتابِ اَزجِ دارِ روانه بازار بی‌سامانِ کتاب و فرهنگ و دانش گردانیده‌اند، بَعْضِ ناشرانِ کاریِ بَغایتِ عوامانه کرده و چاپِ بازاریِ خود را از آن کتابِ نام‌دار، - بِرِ وَفَقِ زَبانِ زِد شایع در محاورات - «فرهنگ معین» نام داده‌اند و این عِنوانِ زَبان‌گُرد را جای‌گزینِ نامِ صَحیح و اَصیل و رَسمِیِ کتاب کرده‌اند؛ لیک این بَلَبِشو اَمَری است مُسْتَحَدَث، و راجع است به چاپ‌هایِ بازاریِ هَمین اَوَخر؛ و در سالِ ۱۳۶۰ ه.ش.، مَوْسَسَه انتشاراتِ امیرکبیر که ناشرِ اَصلیِ کتاب بوده است و هنوز پاره‌ای از اَدا و اَظوارهایِ سال‌هایِ اَخیرش را در تَجَدیدِ حُرُوفِ نِگاریِ خام‌دُستانه و مُخَرَّبانه بَعْضِ چاپ‌هایِ اَصیلِ پِیشه نَساخته

۱. نگر: شَرَحِ عَزَلِ هَایِ سَعْدِی - هَم‌راه با مُقَدَّمه، تَلَفِظِ واژه‌هایِ دُشوار، دُرُست‌خوانی و زیباشناسیِ بیث‌ها، به کوشش: دکتر مُحَمَّدِرِضا بزرگِ خالقی - و - دکتر تَوَرج عَقْدایی، ج: ۱، تهران: انتشاراتِ رَوّار، ۱۳۸۶ ه.ش.، ۱۴۹۹/۲.

بوده^۱، از این ارتکابات نمی‌گزده است، یا دَسْتِ کَم مَن بِنْدَه ندیده بودم. ... نَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الْقَضَاءِ الْغَالِبِ السُّوءِ!

به هر روی، نام صحیح و اصیل و رسمی آن فرهنگ که در کتاب‌نامه‌ها درج بایدش کردن، «فرهنگ معین» نیست؛ و این همه را گفتیم، چون در این سال‌ها، مکرر در مکرر، کتاب‌هایی را - و گاه کتاب‌های مهمی را^۲ - دیده‌ام که در کتاب‌نامه‌شان چنین خطائی رخ نموده است و دور نیست تکرارِ لأَبالِی وارِ این تسمیه، آن‌دک آن‌دک مَذْهَبِ مُخْتَارِ أَهْلِ رَوِزْگار شود!؛ که چنین مباد!

۱. نمونه ندانم‌کاری‌های این ناشر بنام، در زمینه تجدید حروف نگاری خام‌دستانه و مخربانه، بلانی است که بر سر ترجمه کلیل و دمنه‌ی مُصَحَّحِ اُشتادِ فقیدِ مُجْتَبِیِ میثوی طهرانی (۱۲۸۱ - ۱۳۵۵ ه. ش.) آورده است؛ و شمه‌ای از آن را دوست گرامی، آقای دکتر آلودی بهاری، در مجله جهان کتاب قلمی گزده و در باب این تبه‌کاری فرهنگی، به ناشر عَفَلَتْ زده هُش دار داده‌اند (بگر: جهان کتاب - دوماه‌نامه -، خرداد - تیر ۱۴۰۳ ه. ش.، س ۲۹، ش ۲، ص ۱۹: «فاجعه» مناسب‌سازی «ترجمه کلیل و دمنه»، به قلم: آلودی بهاری). ... اَلْبَتَّه آقای دکتر بهاری، آن‌سان که مُقْتَضایِ خوی و خیمِ ایشان (دستِ کم تا امروز!) بوده است، "قولِ لَیْن" در کار آورده و به طبع منبع - و نه سزای آن خطایِ شَنِیع - شَخَن گفته‌اند؛ ولی اگر شما نیز چون بنده آن‌دک‌کی بی‌تعارف‌تر از ایشان باشید و آن چاپِ قَلابیِ مُزَوَّرِ خَمِیزِ کُزْدَنی را هم دیده باشید، خود خواهید دانست و پَدِیُفْت و گُفْت که اُبَعادِ فاجعه بشیاء فراخ‌تر و اَوْضاعِ اِیْتِلا بشیاء وَخِیم‌تر از آنی است که دکتر بهاری نازنین - حَفِظَهُ اللهُ تَعَالَى وَ رَعَاه - به نَخوی مُجَمَّل و آرزومگنانه مَجَالِ طُحْج داده‌اند.

خُدائ را بسپاش که در همین اَوانِ اِنتِشاراتِ اَساطیر با دَسْتِ یازی به بازچاپِ بِحَقِیقَتِ آبِرومَد و خوش‌آیندی از هَمَانِ تَصْحِیحِ پِیشِ گُفْتَه اُشتادِ میثوی، هم چشَم و دِلِ فَرْهَنگ‌دوستان را روشنی و گرمی بَخْشِید و هم از تَلْخِیِ ندانم‌کاریِ آن ناشرِ بی‌مُبالات کاشت. ... اَلْبَتَّه جای آن بود که بر عَظْف و جِلْدِ چَرَمِینِ چاپِ اَساطیر، عَینِ عِثوانِ اَصْلی، که «ترجمه کلیل و دمنه» است، نه فَقَط «کلیل و دمنه»، نَقْشِ بَنَدَد (و ائِ بَسَا، آن، عَینِ کَمال می‌بود؛ و این، از در "عَینُ الکَمال" بوده است!!!)، ... باری، مُدیرِ مُشْفِیقِ اِنتِشاراتِ اَساطیر، در حِفْظِ صَفْحَه عِثوانِ اَصْلی نیز دَقَّت و سَلِیقَه و اَمَانَت به خَرُج داده است. پس بر مَن مَباد که بر سَرِ عِثوانِ رَویِ عَظْف و جِلْدِ چَرَمِینِ این چاپِ زیبای بی‌هَمال، با ناشرِ جُزْئَه‌دَاشِ قال و مَقال کُتَم؛ که جای رَفُق است و اَسان‌گُذارِی. ... خُدائش خیر دَهاد که با این طُبعِ دِل‌آویز، دیده دُشْتارانِ "کُتِبَ قِیمَه" را روشنی داد! ... اُمیدوارم زَوانِ اَبوالَمعالی نَصْرالله مِثْشی و اُشتادِ مُجْتَبِیِ میثوی را نیز از کارِ کَارِشْتانِ او شادی‌ها رَسیده باشد! ... ایدون باد!

۲. نمونه را، بگر: قرآن کریم، ترجمه از: دکتر سید علی موسوی گزمارودی، ج: ۵، تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی، ۱۳۹۹ ه. ش.، ص ۶۵۳.